



معنی ابیات ← پرورده عشق

♦ بیت ۱: چون رایست عشق آن جهانگیر شد چون مه لیلی آسمان گیر

تشبیه ← رایست عشق (عشق به رایست و پرچم تشبیه شده است، این ترکیب اضافه تشبیهی است) // رایست عشق به مه لیلی
 استعاره ← جهانگیر (استعاره از مجنون) // مه (استعاره از صورت و چهره لیلی)
 جناس همسان ← چون (وقتی) و چون (مانند)
 مراعات نظیر (تناسب) ← مه و آسمان
 کنایه ← آسمان گیر شدن (کنایه از مشهور شدن)



♦ بیت ۲: برداشته دل ز کار او بخت درماند پدر به کار او سخت

جناس غیر همسان ← بخت و سخت
 کنایه ← بخت از کار دل برداشته (کنایه از ناامیدی و بدبختی و ناموافق بودن بخت و اقبال)
 تکرار ← کار
 استعاره و تشخیص ← بخت از کار او دل برداشته (تشخیص است و می دانیم هر تشخیصی، استعاره است)



♦ بیت ۳: خویشان همه در نیاز با او هر یک شده چاره ساز با او

واج آرایی ← تکرار مصوت «ا»



♦ بیت ۴: بیچارگی ورا چو دیدند در چاره گیری زبان کشیدند

کنایه ← زبان کشیدند (کنایه از سخن گفتند)
 تضاد ← بیچارگی و چاره گیری



♦ بیت ۵: گفتند به اتفاق یک سر کز کعبه گشاده گردد این در

کنایه ← از کعبه گشاده گردد این در (این مشکل با رفتن به کعبه حل می شود)
 جناس غیر همسان ← سر و در
 استعاره ← در (استعاره از مشکل عاشقی مجنون)
 واج آرایی ← تکرار واج «د» در مصراع دوم



♦ بیت ۶: حاجت گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست

مجاز ← جهان (مجاز از مردم جهان)
 مراعات نظیر (تناسب) ← جهان و زمین و آسمان
 تضاد ← زمین و آسمان (از جنبه پایین و بالا بودن)
 واج آرایی ← تکرار واج «ج» در مصراع اول



♦ بیت ۷: چون موسم حج رسید برخاست اشتر طلبید و محمل آراست

کنایه ← برخاست (کنایه از آماده شدن) // شتر طلبید و محمل آراست (کنایه از آماده حرکت و سفر شد)
 مراعات نظیر (تناسب) ← اشتر و محمل



♦ بیت ۸: فرزند عزیز را به صد جهد / بنشانند چو ماه در یکی مهد

تشبیه ← فرزند عزیز چو ماه
جناس غیر همسان ← جهد و مهد
تضاد ← صد و یکی



♦ بیت ۹: آمدسوی کعبه، سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش

کنایه ← حلقه در گوش (کنایه از فرمان‌برداری و غلام بودن) / سینه پر جوش (کنایه از پر از غم و اندوه و ناله و اضطراب و نگرانی)
تشبیه ← پدر مجنون چون کعبه
ایهام ← حلقه (۱- حلقه‌ای که غلامان به گوش می‌انداختند ۲- حلقه در خانه کعبه)
تکرار ← کعبه
مجاز ← کعبه مصراع دوم (مجاز از در کعبه)
مراعات نظیر (تناسب) ← سینه و گوش



♦ بیت ۱۰: گفت: «ای پسر، این نه جای بازی است / بشتاب که جای چاره‌سازی است

تکرار ← جای
جناس غیر همسان ← بازی و سازی (این جناس ضعیف است چرا که «سازی» قسمتی از واژه «چاره‌سازی» است)
واج‌آرایی ← تکرار واج «س» و «ی»



♦ بیت ۱۱: گو یارب از این گزاف‌کاری / توفیق دهم به رستگاری

تضاد ← گزاف‌کاری و رستگاری (این تضاد چندان قوی نیست!)
واج‌آرایی ← تکرار مصوّت «ا»



♦ بیت ۱۲: دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم

تشبیه ← بلای عشق (عشق به بلا تشبیه شده است، این ترکیب اضافه تشبیه‌ای است)
واج‌آرایی ← تکرار مصوّت «ا»



♦ بیت ۱۳: مجنون چو حدیث عشق بشنید / اوّل بگریست، پس بخندید

تضاد ← بگریست و بخندید / اوّل و پس



♦ بیت ۱۴: از جای چو مار حلقه برجست / در حلقه زلف کعبه زد دست

تشبیه ← مجنون چو مار حلقه
جناس همسان ← حلقه (حلقه زده) و حلقه (حلقه در کعبه)
استعاره ← زلف کعبه (این ترکیب اضافه استعاری است؛ در حقیقت کعبه را به انسانی تشبیه کرده که یکی از خصوصیات و اجزای آن که زلف است را در مضاف آورده است)
تشخیص ← زلف کعبه (برای کعبه زلف قائل شده)
تکرار ← کعبه
کنایه ← دست زدن (کنایه از متوسّل شدن)



♦ بیت ۱۵: می‌گفت گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در

تشبیه ← من چو حلقه
جناس همسان ← در (حرف اضافه) و در (در خانه کعبه) / بر (آغوش) و بر (حرف اضافه)
جناس غیر همسان ← بر و در
قلب و عکس ← دربر و بردر (این آرایه برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)
واج‌آرایی ← تکرار واج «ر»
کنایه ← حلقه دربر گرفتن (کنایه از متوسّل شدن)



این نیست طریق آشنایی

بیت ۱۶: گویند ز عشق کن جدایی

وَجْ آرایِ ← تکرار مصوّت «ی»
تضاد ← جدایی و آشنایی



جز عشق مباد سرنوشتم

بیت ۱۷: پرورده عشق شد سرشتم

استعاره و تشخیص ← عشق سرشتم را پرورش داده
وَجْ آرایِ ← تکرار وَج «ش»
تکرار ← عشق



وانگه به کمال پادشاییت

بیت ۱۸: یارب به خدایی خداییت

تکرار ← خدایی
وَجْ آرایِ ← تکرار وَج «ا»
موقوف المعانی ← این بیت با بیت بعد موقوف المعانی است



کاو ماند اگر چه من نمانم

بیت ۱۹: کز عشق به غایتی رسانم

تضاد ← ماند و نمانم
اشتقاق ← ماند و نمانم (این دو کلمه از یک مصدر هستند؛ آرایه اشتقاق برای رشته ریاضی و تجربی نیست!)



عاشق تر از این کنم که هستم

بیت ۲۰: گر چه ز شراب عشق مستم

تشبیه ← شراب عشق (عشق به شراب تشبیه شده است که عاشق را مست می کند؛ این ترکیب، اضافه تشبیهی است)
جناس غیرهمسان ← مستم و هستم / عشق و عاشق (می توان به نفع جناس، علائم جمع را کنار گذاشت)
مراعات نظیر (تناسب) ← شراب و مست
اشتقاق ← عشق و عاشق (از یک ریشه هستند؛ این آرایه برای ریاضی و تجربی نیست)
وَجْ آرایِ ← تکرار وَج «ش»



بستان و به عمر لیلی افزای

بیت ۲۱: از عمر من آنچه هست بر جای

تکرار ← عمر
تضاد ← بستان و افزای



کاین قصه شنید، گشت خاموش

بیت ۲۲: می داشت پدر به سوی او گوش

کنایه ← به سوی او گوش می داشت (توجه می کرد، گوش می کرد)
وَجْ آرایِ ← تکرار وَج «ش»
مراعات نظیر (تناسب) ← گوش و شنید و خاموش



دردی نه دواپذیر دارد

بیت ۲۳: دانست که دل اسیر دارد

کنایه ← دل اسیر دارد (کنایه از عاشقی حقیقی)
تضاد ← درد و دوا
مراعات نظیر (تناسب) ← درد و دوا

